

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

واسیلی متروخین
مترجم: احمد ضیاء رهگذر
۲۴.۰۲.۰۹

ک ج.ب. در افغانستان

تأسیس حزب

در ادامه گذشته:

افغانستان دارای موقعیت مهم ستراتیژیک است. این کشور سرحد طولانی با اتحادشوروی داشت. این سرحد در گذشته از هر دو طرف باز بوده، اهالی محل میتوانستند آزادانه با هم خلط یابند. ولی با عرض اندام نمودن رژیم بلشویک در آسیای میانه رفت و آمدهای آزادانه و عادی اهالی محل متوقف ساخته شده، مخالفین بلشویکها و ادار به فرار به افغانستان شدند. اکنون حدود ۷۵۰۰۰۰ تن از نسلهای تاجک، ازبک، ترکمن و قرغیز در افغانستان وجود دارند که از بیم سرکوبی و ادار به فرار شده بودند.

افغانستان همسایه با دوستی عنعنوی با شوروی، نخستین کشوری بود که رژیم جدید در روسیه را به رسمیت شناخت. تأثیرات اتحادشوروی را بر تمام شئون زندگی در افغانستان میتوان ملاحظه نمود. نه شاهان افغان و نه هم محمد داوود هیچکدام بدون در نظر داشت منافع همسایه شمالی شان تصمیمی را اتخاذ نمیکردند. بعد از ایجاد نظام جمهوریت، دولت افغانستان مانند گذشته به حفظ تعادل میان شرق و غرب پرداخت و تغییری در برخورد با همسایگانش رونما نشد.

بعداً زمانیکه داوود در اندیشه ساختن حزب خودش بود، ک.ج.ب اینرا به مثابه تهدیدی برای کمونیستها تلقی نموده تصور میکرد که شاید داوود مثال ایران را تعقیب نموده مانع ایجاد احزاب دیگر گردد. چیکا^۲ عملکرد های دولترت تحت نظارت دقیق داشت و مانع ایجاد روابط نزدیک [افغانستان] با دیگرکشورها میشد. به طور خاص چیکا با طرح ایران جهت ایجاد اولین خط راه آهن در افغانستان، برنامه امریکا در جهت ایجاد یک مرکز مترولوژیک و تأسیس چند شفاخانه جهت ارائه خدمات ابتدائی صحی مخالفت ورزید. چیکا شبکه خیلی دقیقی از اجنتهایش را در افغانستان دارا بوده، معلومات کافی درباره گروه های مختلف سیاسی داشته، دارای نفوذ قابل ملاحظه در جریانات سیاسی بود. همچنان چیکا توانایی اینرا نیز داشت که تلاشهای ارگانهای استخباراتی افغانی را در امر دیده بانی از یک تعداد نمایندگان

۱ سردار محمد داوود توسط کودتا در سال ۱۹۷۳ بقدرت رسید.

۲ سازمان سابق استخباراتی پولیس شوروی و سلف ک.ج.ب

گان خارجی سازمانهاییکه تحت مراقبت دولت افغانستان قرار داشتند را، زیر نظر قرار دهد. همچنان چیکا این توانایی را نیز داشت که توجه دولت افغانستان را از عناصر طرفدار شوروی منحرف سازد.

یکتعداد از اجنهای ک.ج.ب. پیرو مارکسیزم - لنینیسم شدند و یکتعداد محدود دیگر به کمک ادارات، در حلقه فعالان جنبش بین المللی کمونیستها و کارگران درآمدند. از جمله این اجنهای یکی هم نورمحمد تره کی^۳ (اسم رمزی: نور) بود. تره کی در سال ۱۹۵۱ بصف اجنت گماشته شد و با افراد ذیل که همه اعضا (ریزیدنیسی^۴) در کابل بودند در تماس بود: Kozyrev, A.V Petrov Sagadiev, Kozlov, Fedoseev, Spiridnov, Kostromin. تره کی نویسنده و ژورنالیست بود. اجنت دیگر ببرک کارمل (اسم رمزی: مُرید) بود. او در سال ۱۹۵۷ یکجا با (مخمویی، اکبر و خوما^۱) یک گروه متمایل به کمونیسم را تحت نام پرچم^۲ ایجاد کردند.

در پایان سال ۱۹۶۲ تره کی و کارمل شخصا با یکدیگر آشنا شدند. قبل از آن تره کی به تنهایی فعالیت مینمود و کدام دوست و رفیقی نداشت. بعداً او در مشارکت با حفیظ الله امین جناح مارکسیست خلق را اساس گذاشت. دو جناح [خلق و پرچم] در سال ۱۹۶۵ اتحاد نموده حزب دموکراتیک خلق افغانستان را اساس گذاشتند. تعداد اعضای حزب در آن زمان از ۳۰۰ تن تجاوز نمیکرد. با ایجاد یک کمیته مرکزی سی عضوی و بیرونی سیاسی پنج عضوی، تره کی بعنوان منشی عمومی کمیته مرکزی ج.د.خ.ا و کارمل بعنوان معاون او انتخاب شد. اما این اتحاد در اصل یک اتحاد اساسی و واقعی نبود.

هر دو جناح در آغاز مطیعانه از دساتیر مسکو پیروی میکردند. پیروان ببرک، پرچمی و پیروان تره کی، خلقی نامیده میشدند.

باری تره کی بنا بر دعوت شعبه روابط بین المللی کمیته مرکزی ج.د.خ.ا.ش از مسکو بازدید نموده در آنجا از طرف بورنیس پونوماریف رئیس، و سایر اعضای آن اداره پذیرایی گردید. در این سفر به او توصیه گردید که تا زمانی که حزب اجازه رسمی دولت را برای فعالیت بدست نیآورده، باید از نهایت احتیاط در امورات حزبی کار گرفته شود. ولی کار در بخشهای نهایت مهم حزب باید در همان حالت غیرقانونی [قبل از توشیح قانون احزاب] صورت پذیرد. همچنان به او گفته شد که تا روزنامه ای را تحت مدیریت یک مدیرمسئول پوشالی، که صاحب رسوخ باشد و بتواند در چشم دولت منبع مالی روزنامه را توجیه کند، نشر نماید.

در جریان این ملاقات روی برنامه، مقررات، اهداف و مخارج ج.د.خ.ا. بحث صورت گرفته او [تره کی] با توصیه های استالین خطاب به منشی عمومی حزب کمونیست اندونیزیا، ایدیت^۳ آشنا ساخته شد. تره کی توانست تاثیر خوبی

^۳ عضو جناح خلق ج.د.خ.ا. بعد از انقلاب ثور رئیس شورای انقلابی، رئیس جمهور و صدراعظم ج.د.خ.ا. بتاريخ نهم اکتوبر ۱۹۷۹ بقتل رسید.

^۴ آن بخشی از استخبارات در کشور های دیگر که شدیداً مخفی و پوشیده عمل کرده فعالیتهای استخباراتی را از طرق قانونی و غیرقانونی پیش میبرد. شخص اجنت بدون اینکه ملیت خود را مخفی نگهدارد مقامی را در نمایندگی رسمی کشورش در کشور میزبان اشغال میکند تا بدین وسیله فعالیتهای استخباراتی خود را بشنوند و یا هم اینکه افسران و اجنهای در جریان کارشان از اسناد و اوراق جعلی شناسایی استفاده میکنند.

^۱ Makhmui, Khuma این دو اسم شناسایی شده نتوانست.

^۲ شاخه از ج.د.خ.ا. تحت رهبری کارمل که در تضاد با تره کی قرار داشت. این اسم [پرچم] از نشریه پرچم گرفته شده که در سال ۱۹۶۸ با مدیریت سلیمان لایق بنشرات آغاز کرد.

روی اعضای کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش بگذارند. او جدی بوده و از نگاه سیاسی خوب آماده بنظر میرسید تا بتواند حزیبش را رهبری کند. او به کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش از پیشنهاد یکی از رهبران ح.د.خ، بدخشی^۱ که از یک تبار بود اطلاع داد. بر اساس پیشنهاد بدخشی باید یک نبرد مسلحانه علیه دولت در نواحی ترکستان افغانستان با استفاده از نارضایتی مردم و به خصوص از یکها آغاز میگردد. اما کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش اینرا یک اقدام شتابزده تلقی نمود. تره کی بعداً این مطلب را نیز فاش نمود که او شک دارد تا بین ببرک کارمل معاون او، و اداره استخبارات افغانستان رابطه موجود باشد. او این ادعایشرا مبتنی بر این واقعیت میدانست که ببرک نخستین زندانی سیاسی بود که در سال ۱۹۵۲ بعد از گرفتاری توسط دولت افغانستان از زندان آزاد گردیده بود. ریزیدنیسی^۲ این نوع اتهامات را رد نموده بدین باور بود که شایعاتی از این قماش برای بی اعتبار ساختن ببرک، ایجاد تفرقه و حس بی اعتمادی در صفوف ح.د.خ.ا. بره انداخته میشود.

زمانیکه تره کی بصفت منشی عمومی حزب برگزیده شد، ک.ج.ب به کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش اطلاع داد که آن اداره در نظر دارد تا تماسهایشرا با اجنتش یعنی تره کی قطع کند. در این اطلاعیه آمده بود " در صورتیکه اوضاع بوخامت بگراید و ایجاب ارائه کمکهای عملی در امورات حزبی را نماید، در آنصورت آن اداره میتواند با نهایت احتیاط تماسهای مخفی را با تره کی برقرار نماید". رئیس بخش روابط بین المللی کمیته مرکزی میلووانف^۳ بجواب ک.ج.ب. نوشت: سوسلوف^۴ عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش، پونوماریف و اندروپف^۵ (رهبر ک.ج.ب

شهرت استالین با نومین کلاتورا صدمه ندید. خروسچف تنها تقدسیکه به این ستمگر (استالین) داده شده بود را دور کرده، جسد او را از آرامگاهش بیرون آورده، به عقب دیوار کرملین در میدان سرخ و در مجاورت با سایر شرکای جرمش دفن کرد. انتقادیکه از استالین در جلسه حزب صورت گرفت صرفاً به شخصیت استالین ارتباط میگرفت نه به استالینیزم بشکل کل. بناءً سیستم و مقررات ایجاد شده از طریق این مکتب [استالینیزم]، به تقویت اش ادامه داد. نومین کلاتورا، بعنوان شکل جدید استعمار عرض اندام نمود. بلشویکها و چکیستها به مثابه وحشیانی چپاولگر در امر غضب و نگهداری قدرت کاملاً سرسخت و استوار بودند و داشتند به اربابان توده های وسیع مردم بیدفاع مبدل میشدند. جنایات آنها ثابت، پابرجا و همه گیر بوده از طریق انتخابات طبیعی به طبقات از نسلهای دیگر منتقل شده است. استالین بدوا با زیرکی قدرت دولتی و مذهب را با هم آمیخت. مقدس شمردن، عذاب دادن، مداحی، غیب گویی، شکنجه نمودن، بستن دهن آنهایکه عقاید مختلف داشتند و بالاخره جبهه گیری در مقابل این افراد، همراه با تقلید کورکورانه از دیگران و تظاهر به وفاداری، مروج گشت. روشنفکران، لینین این بزرگترین شیطان جهانرا، فرماسیون مبتکر اسکاتلندی نامیدند. اما استالین استادشرا نیز در ظلم عقب زد. در آرشیف [ک.ج.ب] صرف پوش دوسیه های (دزوغاشویلی) پسر استالین باقی مانده و متباقی همه اسناد موجود در آنها از بین برده شده است. مطمئناً در آن دوسیه ها اسناد و اوراقی وجود داشتند که باید از بین برده میشدند. نومین کلاتورا به نزدیکان دیکتاتور [استالین] احترام میگذازد. ورود (الی ایوا) از انگلستان، هنوز فراموش نشده است. آنطوریکه فاخته در آشیانه دیگر پرنده گان تخم میگذازد، (الی ایوا) فرزندانش را ترک گفته مسوولیت مواظبت آنها را بعهده دولت گذاشت. زمانیکه این " فاحشه سرکش" آنطوریکه یکی از شوهرانش او را خطاب میکند، برگشت، نومین کلاتورا یک خانه با اثاثه، معاش تقاعدی معادل معاش یک جنرال و یک موتر با راننده برایش داد. تقریباً در عین زمان دو سرباز یکه در افغانستان اسیر گرفته شده بودند از طریق انگلستان به شوروی برگشتند. آنها به محلی در اردوگاه های شمال فرستاده شده و به فراموشی سپرده شدند. زمانیکه فاخته [الی ایوا] در بهشت شوروی مسکن گزین شده بود آرزوی آتشینی برای رفتن به جهنم کپیالیستی را نمود. او رفت، زیرا او "فاخته" یک تبعه عادی شوروی نبود بلکه دختر یکی از رهنان بزرگ، غارتگر لانه های " مو دار ها" و "بیمو ها" (اصطلاحیکه بشکل کنایه امیز توسط ویو نیویچ به کار میرفت) بود، که به مریبان آنها احترام میگذاشت. (ولادیمیریو نیویچ نظم خاصی را در جانشینی یا پیاپی رهبران نومین کلاتورا، از نگاه داشتن مو را مشاهده کرده است [یعنی یکی بیمو و بعدی موادار]: لینین، استالین، خروسچوف، برژنیف، اندروپوف، چرنینکو و گرباچوف). مولف.

شاید منظور از ظاهر بدخشی باشد. موصوف عضو اولین کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. بود. او در سال ۱۹۶۸ با این حزب مقاطعه نموده و یک جناح مارکسیستی، ضد پشتون، مستقر در شمال کشور را تحت نام ستم ملی، اساس گذاشت. بدخشی در تابستان ۱۹۷۸ زندانی شده و در ۱۷ سپتمبر ۱۹۷۹ اعدام گردید. ویرایشگر.

Residency

I.V.Milovanov

Mikhail Anderyevich Suslov

Yury Valdimirovich Andropov

از ۱۹۶۷ تا ۱۹۸۲ بعداً منشی عمومی کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش (بعد از مطالعه نمودن راپور ک.ج.ب بتاریخ هژدهم
فبروری ۱۹۶۵ به این نتیجه رسیدند تا ک.ج.ب به تماسهایش با تره کی در امورات حزبی ادامه دهد.
به تره کی در شعبه روابط بین المللی کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش گفته شد که در هنگام بازگشت بکشورش باید بگوید که
او بنابر دعوت نویسنده گان شوروی و یا انجمن دوستی افغان - شوروی از مسکو بازدید کرده است. تره کی این مطلب
را برای صدراعظم میوند وال^۱ زمانیکه با او ملاقی شد اظهار نموده گفت دولت نباید از چپی ها در هراس باشد بلکه
این راستگرایان هستند که دولت باید از آنها بهرآسد. زیرا این نیرو های راستگرا و عناصر مرتجع اند که میل رسیدن
به قدرت را دارند.

ح.د.خ.ا و نشریه آن هر دو توسط کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش حمایت مالی میشدند. در سال ۱۹۶۵ برای تره کی مبلغ
۵۰,۰۰۰ افغانی برای مبارزه انتخاباتی موصوف در شورای ملی، پرداخته شد. در اپریل ۱۹۶۵ روزنامه خلق به
نشورات آغاز نمود. تره کی نظر ریزیدنسی را در مورد این روزنامه جویا شده درخواست نمود تا ریزیدنسی برای
روزنامه خلق مقالات و مضامین آماده نماید.

ملاقات بین تره کی و نماینده های ک.ج.ب معمولاً یا در داخل یک موتر و یا هم در محل سکونت یک کارمند
ک.ج.ب صورت گرفته، تره کی بشکل مخفیانه به آنجا برده میشد. برای تره کی مبلغ ۱۸۰ روبل معادل ۴۰۰۰
افغانی معاش و تدارک مواد غذایی در نظر گرفته شده بود.

به تاریخ هفدهم دسمبر ۱۹۶۶ میلووانف با سپیریدانوف^۱ ملاقات نمود تا برای او اینرا بیاموزاند که با تره کی چگونه
رفتار نماید. به او گفته شد که کار با رهبری ح.د.خ.ب باید با حریمیت و احتیاط کامل صورت گیرد. زیرا دولت
افغانستان صرف با تعداد اندکی از آنها مانند تره کی و بیرک آشنایی دارد. و اما در صورت گرفتاری آنها نیکه نزد دولت
شناسایی شده اند باید اعضای بلند پایه حزب در خفا کامل آموزش داده شوند. به تره کی باید گفته شود که " بنابر روابط
موجود بین کشور های ما و با در نظر داشت وضعیت موجود در افغانستان باید او سیاست میانه روی و دموکراتیکی
را به پیش گیرد تا بتواند حمایت نیروهای چپی را به دست آورده و بدین وسیله اساسی برای رشد یک جنبش
دموکراتیک گذاشته شود. تا بعداً این جنبش دموکراتیک بتواند به مثابه بنیادی برای فعالیتهای عملی ح.د.خ.ا عمل کند.
لازم به تذکر است که برای رسیدن به این هدف باید از امکانات موجود قانونی نیز استفاده شود، خصوصاً ایجاد
سازمان جوانان و انجمن سوداگری یا تجارتي و امثال آن".

برای تره کی باید پیشنهاد گردد تا او اجازه دولت را در قسمت دریافت مجله " مشکلات صلح و سوسیالیزم"^۲ به دست
آورده باید از طریق ریزیدنسی از امورات حزبی گزارش بدهد. به نظر میلووانف نشر برنامه عمل حزب از طریق

۶

محمد هاشم میوندوال صدراعظم بین سالهای ۱۹۶۵ - ۱۹۶۷. قبلاً معاون وزارت خارجه در سال ۱۹۵۵. سفیر در کشور های : بریتانیا در سال
۱۹۵۶، پاکستان در ۱۹۵۷-۱۹۵۸، امریکا ۱۹۵۸-۱۹۶۳، پاکستان برای بار دوم در ۱۹۶۳.

او دردوران داوود زندانی شده بعداً بقتل رسید.(ویرایشگر)

۱

Spiridonov هویت این شخص مشخص شده نتوانست. ویرایشگر.

Problemy Mira i Sotsialisma.

روزنامه خلق به شکلی که صورت گرفته بود یک عمل نادرست و بیموقع بوده است. به نظر میلووانف تره کی از بی حوصلگی بیجا در برابر ببرک کار میگیرد و در کارهای حزبی نتیجه گیری عجولانه مینماید. میلووانف در اخیر به سپریدانوف متذکر شد تا از خود ابتکار عمل نشان داده و از دادن مشوره به تره کی نه هراسد اما باید این مشوره دادن طوری صورت گیرد که گویا نظرات و خواهشات شخصی خودش است. تره کی به نوبه خود شکایاتش را از تاخیریکه از طرف مسکو در قسمت فرستادن نشرات حزب توده ایران^۲ به میان آمده بود و دیگر مسایل بیان نموده چنین گفت:

"اگر رفقای شوروی فکر میکنند که هنوز زمان مناسبی برای ایجاد و فعالیت حزبی مانند ح.د.خ.ا در کشور ما فرا نرسیده است پس باید این حزب منحل شده و من باید به خارج از کشور مثلاً به هند، سوریه و یا هم سریلانکا رفته سرگرم کارهای ادبی گردم".

اما در عین زمان در جنوری ۱۹۶۷ زمانیکه تره کی به یک نماینده ک.ج.ب. نامه ای را عنوانی مدیرمسئول مجله "مشکلات صلح و سوسیالیزم" میداد گفت او به این دلیل با مجله مذکور تماس برقرار میکند که این مجله ارگان نشراتی احزاب کمونیست و کارگر بوده و او برقراری تماسهایش را با مجله مذکور به مثابه برسمیت شناختن ح.د.خ.ا توسط احزاب دوست و برادر میدانند.

ریزیدنسی از تره کی خواست تا در رابطه به اوضاع کشور اظهار نظر کند^۱. او راجع به اوضاع کشور معلومات داده از مشکل [زبان] پشتو^۲، و همچنان مشکلات در دولت و قوای مسلح یاد آور شد.

تره کی شخصی بود که مردم را رهبری کرده و تعدادی زیادی از اجنتها به واسطه او استخدام شده بودند. به کمک او مظاهره در مقابل سفارت چین در کابل بتاريخ ۲۱ فیرووری ۱۹۶۷ علیه اقدامات تفرقه جویانه چین اجرا شد. یک اعتراضنامه از طرف "کارگران" که در آن از خشم و انزجار دوستان افغانی چینایها تذکر به عمل آمده بود، ترتیب داده شده، تماسهای تلیفونی اعتراض آمیزی با سفارت چین صورت گرفت. تره کی شخصاً با سفارت چین تماس تلیفونی گرفته و بنابر درخواست دوستان چینایی اش در کابل، خشم و ناخوشنودی آنها را اظهار داشت. او با همین مضمون به زبان دری و با دست چپ نامه را نوشت که بعداً بتاريخ ۲۳ فیرووری توسط یکتن از اعضای ح.د.خ.ا دوکتور صالح^۳ که با بایسکل از مقابل سفارت چین میگذشت به داخل سفارت آنکشور پرتاب گردید.

اما تره کی و کارمل این توانایی را نداشتند تا مشترکاً حزب را رهبری نمایند. ببرک، تره کی را به رشوه خوری، تماس داشتن با امریکایها، مالک بودن چهار عراده موتر و داشتن ۴۰۰,۰۰۰ افغانی در یک بانک پشتو^۴ متهم

^۳ حزب کمونیست ایران. ویرایشگر.

کارمندان فعال یک ریزیدنسی عبارت اند از: ریزیدنت و معاونین او، یک افسر امنیتی و اعضای فعال که کارهای اجنتوری را به پیش میبرند. کارمند اوپراتیوی به شخصی اطلاق میشود که عضو سازمان استخباراتی بوده بطور مستقیم در کارهای استخباراتی سهیم باشد. او همچنان شبکه های جاسوسی را ایجاد نموده بکار می اندازد، معلومات استخباراتی را جمع آوری نموده و وظایف اجنتوری را به پیش میبرد. تدابیر اوپراتیوی، پلان شده بوده و مطابقت دارد با فعالیتها مخفی یک و یا چند تن از کارمندان شبکه استخباراتی. در صورت ضرورت اجنتها، کارمندان اوپراتیوی فنی با سایر نیروها و منابع یکجا برای نیل به هدف تعیین شده بصورت عاجل داخل اقدام شده و یک ماموریت استخباراتی را بشکل کامل اجرا می نمایند. مولف.

پشتو یکی از زبانهای رسمی افغانستان است که توسط قبایل مسکون در جنوب و شرق کشور صحبت میشود. شهرهای کابل و قندهار از جمله شهرهای پشتو زبان بشمار میرود. تعداد متکلمین زبان پشتو در افغانستان به ۹ میلیون تخمین زده میشود. (مولف)

^۴ این شخص بیشتر شناسایی شده نتوانست. (ویرایشگر) احتمالاً منظور از صالح محمد زیری است. (مترجم).

میساخت. اما ریزیدنسی همانطوریکه در گذشته از ببرک حمایه نموده بود اینبار از تره کی حمایه نموده این اتهامات را رد نمود. ریزیدنسی در باره تره کی نظر مثبت داشته او را بمثابة یک دوست صدیق و مخلص شوروی، شخصیکه صادقانه با شوروی همکاری مینمود و اصل رازداری و محرمیت را رعایت میکرد وبالاخره شخصیکه یک دوره ماموریت را در سفارت افغانستان در امریکا گذشتانده بود، مینداشت.

" تره کی به عنوان یک فرد، یک انسان مرموز و دارای کرکتر متناقضی بود. او اکثراً شوخیها و فکاهیات که برایش ساخته بودند را، غلط تعبیر مینمود. انسان مغروری بود که میخواست زیاد مورد توجه قرار گیرد که البته این موضوع بعد از سفر او به مسکو واضحاً به مشاهده میرسید. در واقعیت همین خصایل او میتواند یکی از عواملی باشد که باعث ایجاد نازسازگاری بین او و ببرک شده باشد. نازسازگاریکه بعداً در اگست ۱۹۶۷ منجر به انشعاب در داخل رهبری حزب گردید. ببرک بمثابة یک تحصیل کرده زیاد تلاش به خرج میداد تا در کارهای عملی حزبی از شیوه های انعطاف پذیرانه تری کار گیرد، ولی (نور^۱) [تره کی] با رفتار خود میخواست این را واضح بسازد که مسکو از او پشتیبانی نموده، و در واقعیت این خط (سیاست) اوست که در عمل پیاده شده است".

در اگست ۱۹۶۸ زمانیکه تره کی از کنفرانس قریب الوقوع احزاب کمونیست در مسکو و دعوت نشدن ح.د.خ.ا در آن مطلع گردید، خیلی افسرده گردید. او با اندوه مشاهده مینمود که باوجود اینکه در کشورش همه او را به عنوان یک کمونیست میشناسند، مسکو هنوز هم او را به عنوان یک کمونیست نمی پندارد. او احساس مینمود که کریملین [با دعوت نکردن ح.د.خ.ا. به کنفرانس احزاب کمونیست] به ح.د.خ.ا. توهینی را روا داشته است.

در سپتمبر ۱۹۶۸ مرکز^۱ از ریزیدنسی درخواست نمود تا تره کی را با استفاده از شیوه های اوپراتیفی مورد بازپرسی قرار دهد.

تره کی به تاریخ اول اکتوبر نامه ای به برژنف^۲ فرستاد و در آن نوشت " کمکهای اقتصادی برای دولت افغانستان به شکل قرضه و خصوصاً تدارک مواد مصرفی مانند شکر و یا پترول باید متوقف گردد. ما طبیعتاً خواهان قطع فرستادن موادیکه باعث رشد و تقویت طبقه کارگر میشود نیستیم. بلکه ما خواهان قطع فرستادن اشیا لوکس استیم زیرا که این اشیا مورد استفاده طبقه حاکم در کشور قرار میگیرد". او در ادامه نوشت " در کنفرانس احزاب برادر این موضوع، که بلاک سوسیالیست باید کمکهای کاملی را با همه نیروهای دموکراتیک و ضد امپریالیستی در سراسر جهان انجام دهد، بتصویب رسیده است. امیدوارم به فعالیتهای ح.د.خ.ا که در مطابقت با مارکسیزم - لنینیسم قرار دارد و سرگرم مبارزه با ارتجاع و امپریالیسم میباشد، توجه نمائید. ح.د.خ.ا از همان ابتدا ناشر افکار مارکسیزم - لنینیسم در افغانستان بوده است".

^۱ شاید منظور نویسنده از پشتنی تجارتی بانک و یا کدام بانک دیگر به همین نام در کدام کشور دیگر باشد. (مترجم).

^۲ قرار گفته مولف نور محمد تره کی عضو ک.ج.ب بوده و (نور) اسم رمزی او بوده است. (مترجم)

به تاریخ ۱۷ اکتوبر ۱۹۷۲ تره کی به ریزیدنسی هشدار داد که داوود در نظر دارد کودتا نماید. در می ۱۹۷۳ عبدالصمد اظهار^۳ (اسم اجنتوری یا رمزی : فتح) گزارش داد که داوود آماده کودتاست. اظهار معلومات مفصلی درباره برنامه کودتا ارایه نمود.

در جولای [بعد از کودتای داوود خان] تره کی شکوه کنان نوشت "اگر پنج، شش سال قبل رفقای شوروی اعضای جناح خلق را از خدمت نمودن در اردو منع نمیکردند امروز اکثریت سربازان سهیم در کودتا [بیست و شش سرطان] از جناح خلق میبود. در حالیکه امروز در اردو صرف یک گروه افسران جوان از حامیان و علاقمندان جناح خلق وجود دارد". ریزیدنسی به تره کی هدایت داد تا افراد وفاربه خود را به مقامات بالایی در دستگاه دولت جدید جابجا نماید.

به تره کی در سال ۱۹۷۴ رقم تعیین شده همیشگی ۵۰,۰۰۰ افغانی پرداخت شده بود.
ادامه دارد

۳

عبدالصمد از هر عضو جناح پرچم ح.د.خ.ا. و قاتل احتمالی محمد داود. در سال ۱۹۷۹ توسط دولت امین به زندان افکنده شد. در جنوری ۱۹۸۰ از زندان رها گردیده بعنوان قومندان پولیس و عضو علی البدل کمیته مرکزی تعیین گردید. موصوف بعداً به حیث سفیر در کشور های کیوبا و هندوستان تعیین گردیده در سال ۱۹۸۶ به حیث عضو اصلی کمیته مرکزی حزب انتخاب گردید. در سال ۱۹۸۹ به سفارت یوگوسلاویا گماشته شد و بالاخره در سال ۱۹۹۰ پناهنده گردید. (ویرایشگر)